

علم أصول الفقه

١٦-١٢-٩٠ مبادئ مختص تصديقي ٦٠

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

العَجَلَةُ

• ١٠٠ عَنْهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيْعٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ بَرْجَ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّمَا أَهْلَكَ النَّاسَ الْعَجَلَةُ وَ لَوْ أَنَّ النَّاسَ تَثَبَّتُوا لَمْ يَهْلِكْ أَحَدٌ «٣»

• ١٠١ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ الْأَزْدِيِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَيَّابَةَ عَنْ أَبِي النَّعْمَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْأَنَاةُ مِنَ اللَّهِ وَالْعَجَلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ «٤»

● * سورة طه

● وَ مَا أَعْجَلَكَ عَنْ قَوْمِكَ يَا مُوسَى (٨٣)

● قَالَ هُمْ أَوْلَاءِ عَلَيَّ أَثْرَى وَ عَجَلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَى (٨٤)

● قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِن بَعْدِكَ وَ أَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ (٨٥)

ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- به دو صورت می‌توان به این پرسش پاسخ داد:

- أ. به استناد روایاتی به این مضمون که زمین هیچ گاه از حجت خالی نیست، ضرورت وجود حجت بعد از نبی خاتم را اثبات می‌نماییم.

- پس اگر نبی صلی الله علیه و آله از بین مردم رخت بر بندد، ولی پس از او، حجت بر روی زمین است و با ارتحال ولی، ولی دیگر و....

ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- ۴۶۰ / ۱۰. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ، عَنْ أَبِي حَمْزَةَ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَبْقَى «۴» الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ؟ قَالَ: «لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ «۵»، لَسَاخَتْ «۶»». «۷»

ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- در نتیجه‌ی این استدلال، نه تنها زمین هم اکنون از حجت خالی نیست، بلکه در زمان‌های گذشته نیز از حجت خالی نبوده است.
- به عبارت دیگر این بیان، ضرورت حجت را در همه‌ی زمان‌ها ثابت می‌کند، چه قبل از نبی خاتم و چه بعد از آن، و اختصاص به زمان و برهه‌ی خاصی ندارد.

ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- ممکن است گمان شود این دلیل با آیه‌ای از قرآن که ظاهراً خلأ ولایت را بعد از حضرت عیسی علیه السلام ذکر می‌کند، ناسازگار است.
- در حالی که با دقت در قرآن، این اشکال مرتفع می‌شود.
- توضیح آن که خداوند در قرآن می‌فرماید: «یا اهل الکتاب قد جاءکم رسولنا یبین لکم علی فترۃ من الرسل» [ای اهل کتاب، پیامبر ما به سوی شما آمده که در دوران فترت رسولان (حقایق را) برای شما بیان می‌کند].

ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- آیه حکایت از بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بعد از مدتی طولانی دارد که در آن مدت رسول برای مردم فرستاده نشده است، اما در مقام بیان عدم وجود حجت یا نبی تبلیغی (به تعبیر مرحوم مطهری) نیست.
- چه بسا در این مدت انبیا در بین مردم به تبلیغ آیین حق پرداخته‌اند، اگرچه هیچ کدام از آنها رسول نبوده‌اند. پس این آیه بر عدم حجت در آن زمان دلالت ندارد.

ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- لازم به ذکر است که در اعتقاد شیعه، حضرت عیسی علیه السلام، مسلوب نشده و زنده است.
- اما زنده بودن و به آسمان رفتن ایشان برای خالی نبودن زمین از حجت کافی نیست.
- چون اگر این مقدار کفایت می‌کرد، وجود نبی خاتم ضرورت نداشت.
- بعثت پیامبر خاتم به پیامبری، بیانگر سپری شدن دوران نبوت عیسی علیه السلام و دین مسیحی است.

ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- البته این بیان به دلیل اتکا به روایت از حوزه استدلال عقلی خارج است ولی این مطلب در فلسفه و عرفان به صورت ضرورت وجود انسان کامل در هر دوره بیان شده است.

ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- كلمة فيها اشارة الى ان المقتضى لظهور الحق في المظاهر انما هو الاسماء الالهية و ان مظهر اسم الله هو الانسان الكامل

ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- اهل معرفت گویند حضرت حق سبحانه بذات خود مستغنی است از عالم و عالمان اما اسمای نامتناهی الهی مقتضی آنست که هر یک را مظهري باشد تا اثر آن اسم در آن مظهر بظهور برسد، و مسمی که ذاتست تعالی شانه در آن مظهر بر نظر موحد جلوه کند، مثلاً «الرحمن الرزاق القهار»، هر یک اسمی از اسمای حق سبحانه و تعالی و ظهور آن براحم و مرحوم و رازق و مرزوق و قاهر و مقهور تواند بود، که تا در خارج راحمی و مرحومی نباشد رحمانیت ظاهر نه گردد، و همچنین رازقیت و قاهریت و جمیع اسما را اینچنین می باید،

ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- پس سبب ظهور حق در جمیع موجودات جزئیة طلب اسماء حق بود عز شانه و همه اسماء در تحت حیطة اسم «اللّٰه» است که جامع جمیع اسماء است و بهمه محیط است، و او نیز اقتضای مظهر کل کرد که آن مظهر را از راه جامعیت مناسبتی با اسم جامع باشد تا خلیفة اللّٰه باشد در رسانیدن فیض، و کمالات از اسم «اللّٰه» بما سواه، و آن مظهر جامع انسان کامل است که مخزن انوار الهی و مکمن فیوض نامتناهی است بل مخزن کل وجود و مفتاح جمیع خزاین جود است.

ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- ب. خاتمیت دین
- خاتمیت دین (نه تمام ادیان به طور مطلق) اقتضا می‌کند که امام بعد از نبی، در جامعه حضور داشته باشد.

ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- قبلاً به طور مفصل بیان کردیم که دین خاتم از دو ویژگی برخوردار است:
- ۱. **کامل** است (یعنی هر آنچه باید از طریق وحی دریافت شود، در این دین وجود دارد)،
- ۲. **مصون از تحریف** است.

ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

● مصونیت از تحریف نتیجه‌ی دو عامل است:

● ۱. وجود منبعی مصون از تحریف (قرآن)

● ۲. وجود روشی معیار و استاندارد برای فهم دین که توسط اهل بیت علیهم السلام تحقق یافته است.

ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- مصونیت منبع وحی از تحریف برای مصونیت دین از تحریف کافی نیست.
- چه بسا ممکن است به دلیل مرور ایام و جدا شدن پیروان دین از زمان وحی، روش فهم دین از یاد برود و در نتیجه آنچه از منبع به دست می آید، با آموزه‌های اصلی دین یکسان نباشد.
- وجود یک روش فهم صحیح می‌تواند مانع پدید آمدن تحریف در دین باشد؛ روشی که یک محقق منصف با استفاده از آن و با مراجعه به منابع دین و از طرق متعارف بتواند به حقایق دین دست یابد.

ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- بنابراین علت این که در کتب روایی و کلامی، ائمه علیهم السلام به عنوان مفسران واقعی قرآن معرفی شده‌اند و علت این که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «انی تارک فیکم الثقلین، کتاب الله و عترتی» این است که آموزه‌های دین از دست تحریف دور بماند.
- دین با قرآن و عترت حفظ می‌شود، قرآن بدون عترت کامل نیست، همچنان که عترت بدون قرآن نیز کامل نیست. این دو همواره با هم هستند و هرگز از هم جدا نمی‌شوند: «لم یفترقا حتی یردا علی الحوض».

ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- تفسیر ائمه علیهم السلام، مستند به دانشی است که از طرق عادی و متعارف پیدا نشده است. آنها همان علمی را به قرآن دارند که پیامبر دارد و به عبارت دقیق‌تر علم ائمه علیهم السلام، به وساطت نبی خاتم است. آنها هم محتوای قرآن را شرح و تفسیر کرده‌اند و هم به صورت مستقیم یا غیر مستقیم راه دستیابی به مفاهیم قرآنی و استنباط احکام را به اصحاب و پیروان خود آموخته‌اند. آنها نیز به نوبه‌ی خود همواره در طول حیات اسلام، این روش معیار را به کار گرفته و روش‌های دیگر را با این روش محک زده و سنجیده‌اند.

ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- ضرورت وجود یک روش معیار برای فهم قرآن که مستند به دانش بشری نباشد و گرفتار خطا نشود، ضرورت امامت را بعد از نبوت در دیانت خاتم اقتضا می‌کند.
- ما در دین خاتم شاهد امامان علیهم السلام هستیم در حالی که ممکن است در ادیان دیگر چنین سلسله‌ای وجود نداشته باشد.
- دلیل آن، خصوصیت دین خاتم است. اگر دین خاتم، ختم ادیان است، باید مصون از تحریف باشد. ختم دین بدون امام تحقق نمی‌یابد.

ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- از آن سو، وقتی به داستان امامت نگاه می‌کنیم، شاهد ماجرای اتفاقی و بدون حکمت نیستیم. در تقدیر الهی از همان ابتدا، سلسله‌ی امامت با دوازده اختر تابناک شکل گرفته که هر یک باید در تحقق این غرض الهی نقشی ایفا کند.

ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- از قدرت خداوند خارج نبوده که هر یک از امامان دیگر را همچون حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه در پرده‌ی غیبت حفظ نماید، اما حکمت ضرورت مصونیت دین، اقتضا می‌کرد نزدیک به سیصد سال، افرادی با برخورداری از علم نبی، شیوه‌ی صحیح تفسیر را به مردم بیاموزند و آن را در امت اسلامی نهادینه کنند.

ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- از این رو، در واقع اسلام بیشتر از یک مذهب و یک مکتب حق نیست، (مکتب اهل بیت علیهم السلام). سایر مذاهب به هر اندازه به این مکتب نزدیک-تر باشند، از حقانیت برخوردارند.

ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- همان طور که به شهادت تاریخ تمام مذاهب اسلامی - لااقل مذاهب شناخته شده و معروف مثل حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی - تحت تأثیر مکتب اهل بیت علیهم السلام شکل گرفته و رونق یافته‌اند.
- مالک، احمد بن حنبل، ابوحنیفه و شافعی در فرهنگ سنی، به منزله‌ی مراجع تقلید در فرهنگ شیعی هستند که اجتهاد خویش را مدیون امامان معصوم علیهم السلام هستند، هرچند کاملاً از آنها تبعیت نکردند و خیلی وقت‌ها از مکتب حق فاصله گرفته‌اند.

ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- بدیهی است پاسخ دوم به خلاف پاسخ اول که همه‌ی ادیان را در بر می‌گرفت، فقط اختصاص به دین خاتم دارد. اقتضای پاسخ اول، وجود یک ولایت عامه و تکوینی در همه‌ی زمان‌هاست، در حالی که بیان دوم به دینی اختصاص دارد که باید از تحریف مصون بماند.

ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- . ربك: كليني، اصول کافی، ج ۱، صص ۱۳۶ - ۱۳۷، باب أن الارض لا تخلو من حجة.
- . مائده، ۱۹.

ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- همانند آنچه فرق تأویلی به قرآن نسبت می‌دهند. برخی فرقه‌های صوفی (علی‌اللهی‌ها) که در عراق و سوریه و ترکیه و ایران و بخشی از اروپا زندگی می‌کنند، اعتقادی شبیه به اعتقاد مسیحیان نسبت به حضرت علی علیه السلام دارند. یعنی علی علیه السلام، را خدا می‌دانند که از آسمان به زمین آمده و چهره‌ای بشری یافته است. این گروه قایل به تحریف قرآن هستند. البته اگر تحریف را هم ادعا نکنند، تمام آیات قرآن را رمز و اشاره می‌شمارند و آنها را به تاویل می‌برند.
- قبلاً گفتیم که تحریف، انسداد باب فهم صحیح دین است نه اشتباه در فهم دین که همواره در بین پیروان یک دین اتفاق می‌افتد. مادامی که راه به دست آوردن حقایق دین برای هر انسان محققى باز باشد، این دین گرفتار تحریف نیست.
- این مطلب را آیت الله حسن زاده‌ی آملی می‌فرمود.